

آنسوی نقاب

(جلد اول)

مؤلف:

روح الله امین آبادی

انتشارات درک نو

سرشناسه	امین آبادی، روح الله، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور	آن سوی نقاب: مولف روح الله امین آبادی.
مشخصات نشر	تهران: درک نو، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	ع.ج.
فهرست	فهرسوی غبار: ۲، ۳، ۴، ۵.
شابک	۱۰۰۰۰ ریال: ع.ج. ۱: 5-01-6365-600-978
	۱۰۰۰۰ ریال: ع.ج. ۲: 2-02-6365-600-978
	۱۰۰۰۰ ریال: ع.ج. ۳: 9-03-6365-600-978
	۱۰۰۰۰ ریال: ع.ج. ۴: 6-04-6365-600-978
وضعیت فهرست نویسی: فیبا	
یادداشت	این کتاب با حمایت مادی و معنوی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده است.
یادداشت	کتابنامه
موضوع	سازماندهای ایرانی -- قرن ۱۴ -- سرگذشتنامه
موضوع	رومائی، دیوید -- ایران -- انتخابات -- ۱۳۸۸.
موضوع	ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸ -- جنبش سبز.
شماره افزوده	ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. معاونت فرهنگی
رده بندی کنگره	۱۳۹۰: ۵۹۱۰-DSR
رده بندی دیویی	۹۵۵ ۰۸۴۴۰۹۲۲:
شماره کتابشناسی ملی	۲۴۲۸۱۰۷:

آنسوی نقاب (جلد اول)

مؤلف: روح الله امین آبادی

ویراستار: واحد ویرایش انتشارات درک نو

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۰

صفحه آرا: منیره فاتحی

چاپ: عترت - صحافی: تندیس - لیتوگرافی: نویس

تیراژ: ۴۱۰۰ نسخه

بها: ۲۲۰۰۰ ریال

شابک: ۶۰۰-۶۳۶۵-۰۱-۵-۹۷۸

© حق چاپ: ۱۳۹۰، انتشارات درک نو

این کتاب با حمایت مادی و معنوی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است

فهرست مطالب

۷.....	پیشگفتار
۸.....	مقدمه
۱۳.....	میر حسین موسوی
۶۱.....	مهدی کروی
۹۷.....	سید محمد خانمی
۱۵۳.....	زهرا رهنورد

www.ketabonline.ir

پیشگفتار

داغ‌های همه تاریخ را، ما به یک باره دیده ایم؛ چرا که ما امت آخرالزمانیم و خمینی، این ماه بنی هاشم، میراث دار همه صاحبان عهد بود. در شب یلدای تاریخ، در عصر ادبار عقل و فلک زندگی بشر، در زمانه غربت حق، در عصری که دیگر هیچ پیامبری مبعوث نمی شد و هیچ مُنذری نمی آمد، خمینی میراث دار همه انبیا و اسباط ایشان بود، و داغ او بر دل ما، داغ همه اعصار، و داغی بی تسلی بود.

امام رفت و زمین ماند و ما نیز بر زمین ماندیم؛ با داغ جراحی سخت بر دل و باری سنگین بر دوش. امام رفت تا بار تکلیف ما بر گرده عقل و اختیارمان بار شود. همان سانی که سنت لایتغیر خلقت بوده است چرخ بلیات، ما را نیز به میدان کشد و آورده شویم. اکنون این ماییم و امانت او. دست یعت از آستین اخلاص بر آوریم و در کف فرزند و برادرش و تلمیذ مدرسه اش بگذاریم که اگر بعد از رحلت رسول الله ظهر حکومت اسلام به غروب خونین شهادت حسین بن علی و شب بی قمر غیبت انجامید این بار امام در سینه دم آن شب، فرصت یافت تا و بقیه حکومت را به معتمدین خویش بسپارد و این خود نشانه ای است بر این بشارت که این بار خداوند اراده کرده است تا «حزب الله» و مستضعفین را به امامت و وراثت زمین برساند.

شهید آری

مقدمه

بیش از دو سال از حماسه تاریخی و در عین حال تلخ ۲۲ خرداد می گذرد، این ۲ سال و حوادثی که در تاریخ این مرز و بوم ماند و ثبت شد به خوبی سخن آن حکیم فرزانه را اثبات کرد که «پشتیان ولایت فقیه باشید تا به مملکت شما آسیبی نرسد»

فتنه در شبانگاه ۲۲ خرداد و با سخنان از پیش نوشته شده میرحسین موسوی فار عملی خود را به صورت جدی شروع کرد و در روز قدس، ۱۳ آبان، ۶ آذر و عاشره را با هدایت اصحاب فتنه بر جسارت خود افزود.

حماسه به یادماندنی و تاریخی ۹ دی فتنه گران را در اغما فرو برده و يوم الله ۲۲ بهمن سرنوشت مخترم مرگ خفت بار را برای آن رقم زد.

۸ ماه نبرد حزب الله با اصحاب فتنه در خیابان های تهران نشان داد که دیگر دوران شاگردان مکتب ماکائولی به سر رسیده است و این مکتب انبیا است که با عزت به راه خود تار رسیدن به قله کمال در حکومت منجی آخرالزمان مهدی موعود (عج) ادامه خواهد داد.

انتخابات خرداد ۸۸ اگر چه با حوادث تلخ بعد از آن در کام ملت تلخ شد ولی به مصداق آیه مبارکه «و عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم و عسی ان تحبوا شیئا و هو شر لکم و الله یعلم و انتم لا تعلمون»^۱ نتایج گرانهای فراوانی برای مردم و نظام اسلامی به همراه آورد و کید دشمنان را نیز به خودشان بازگرداند.

۱- اولین نتیجه ارزشمند این انتخابات را می توان مشخص شدن چهره منافقانی دانست که چهره در لباس قانون گرایی، ولایت پذیری و خط امام نهان کرده بودند و حوادث بعد از انتخابات چهره این دسته را به خوبی برای ملت عیان کرد.

۲- در این انتخابات دوران شاهزاده گرایی و یا به عبارت دقیق تر دوران استدلال های منتهی به شرافت ذاتی آفازادگی به پایان رسید . مردم در طول هشت ماه دفاع مقدس از ۲۲ خرداد ۸۸ تا ۲۲ بهمن همان سال به سران و اصحاب فتنه نشان دادند که اگر در طول انقلاب کسانی زحمت کشیدند ، زندان رفتند و شکنجه شدند دلیلی نمی شود فرزندان آنان از امتیازات ویژه ای در نظام اسلامی برخوردار باشند . ضرب المثل معروف را همه شنیده ایم که « گریم که پدر ادیب و فاضل ، از بهر پدر تو را چه حاصل » فرزند انقلابی سابق و لاحق ، شهید ، عالم و عارف و... هیچ کدام دلیلی برای حرکت در مدار خلافت قانون نیست .

۳- انتخابات دهم دوران استخار به گذشته انقلابی و در عین حال تیشه زدن به ریشه انقلاب را به پایان رساند . در این برهه حساس از تاریخ انقلاب کسانی چون طلحه و زبیر به سابقه انقلابی خویش غره شده و چونان طلبکاری که بدهی وی پرداخت نشده است با انقلاب برخورد کردند . این انقلاب و نظام اسلامی نیست که به افراد و گروه ها بدهکاری دارد بلکه همه بدهکار انقلاب و نظام هستند و برای سرفرازی آن بایستی از جان مایه بگذارند .

۳- خط امام را باید جدا از منتسبان به امام بررسی کرد . مهمترین عضو خانواده امام خود حضرت روح الله بوده و ارزش و اعتبار دیگران به اندازه نزدیکی عقیدتی با آن عزیز به عرش سفر کرده است نه انتساب فامیلی که اگر این گونه بود سید حسین خمینی یار و غمخوار دیرین و امروز ضد انقلاب نیز بایستی از خط و راه امام سخن می گفت .

سید احمد خمینی، یادگار حضرت امام (ره) در نشستی مطبوعاتی که در تاریخ ۲۴ فروردین ۱۳۶۰ برگزار شد با اشاره به نسبت خود و خانواده حضرت امام با ایشان، علت توجه به این خانواده را همین امر و نه ویژگی های شخصی دانسته اند. ایشان در این زمینه چنین گفته است: « ما منسوبین

حضرت امام باید توجه داشته باشیم که فقط به علت نزدیکی با ایشان است که با ما مصاحبه می‌شود و یا به ما احترام می‌شود. والا خود ما که چیزی نیستیم و ویژگی‌هایی نداریم. نه زندان رفته‌ایم و نه شکنجه شده‌ایم. و نه در فلسفه غرب و شرق اهل نظریم و نه در فقه و اصول، مجتهد. نه ادیب ایم و نه منطقی. فقط و فقط منسوب امامیم. پس باید دقیقاً توجه کنیم که اگر امام نبودند هرگز کسی ما را بدان صورت نمی‌شناخت تا با ما مصاحبه کند پس من من نکیم که هیچیم.^۱

۵- تقسیم خواص به عمارها، خواص بی بصیرت و نیز سران فتنه به خوبی مشخص کرد که دیگر دوران تک روی گذشته است و ملت هر کس را در هر جایگاه و مقامی که باشد با آن ارزش ذاتی که همانا همیاری و همگامی با ولایت مطلقه فقیه می‌باشد خواهند سنجید. اگر کسی درست در خلاف جهت منویات رهبر عزیز انقلاب گام بردارد خواه یا ناخواه فتنه گر است و اگر هدایت فتنه را بر عهده بگیرد چون موسوی و کروبی از سران داخلی فتنه محسوب خواهد شد.

نخبه بودن در جامعه اسلامی به خودی خود ارزش ذاتی ندارد. نخبه ای که عمار نباشد ارزشی ندارد. عمار یا سر نخبه بود و عمرو عاص هم نخبه. یکی بصیر بود و همراه مولای متقیان و دیگری فتنه گر و همراه راس فتنه.

نخبه ساکت نخبه بی بصیرت است. کسی که از همراهی با مولا سرباز می‌زند و در عین حال نیز این گونه می‌پندارد که به دشمن نیز یاری می‌رساند در بهترین حالت بی بصیرت محسوب می‌شود اگر نفوذی نباشد چرا که دشمن در دست نخبگان در درجه اول به دنبال کسانی است که به صورت فعال اهداف آنان را دنبال کند و در درجه دوم کسانی از زعمای قوم که ساکت باشند و از امام حق در مقابل فتنه به وجود آمده حمایت

۱. رجا نیوز، ۱۱ خرداد ۱۳۸۹ به نقل از مرکز اسناد انقلاب اسلامی

نکنند تا مردم دچار این شبهه شوند که اگر حق با نظام اسلامی است چرا زعمای ملت ساکنند و چیزی نمی‌گویند؟!

در تاریخ اسلام خوانده ایم که کسانی با بهانه های واهی ندای هل من ناصر ینصرنی امام مظلوم را بی پاسخ گذاشتند و در خیمه خود به عبادت مشغول شدند آنان می‌پنداشتند که جنگ و دعوا بر سر سر این است که یک نفر از بنی هاشم و یا بنی امیه در رای قدرت قرار گیرد و به عبارتی دیگر دعوا سر لحاف ملا است و چه بی بصیرت و نادان بودند این عده که جز نوک پستی خود را ندیدند و آینده شومی که جهان اسلام را در آینده دچار می‌کرد ندیدند و آن شد که نباید می‌شد.

۶- در راس قدرت بودن و یا بر قدرت بودن نشان دهنده حقانیت و یا بطلان کسی نیست. در اوج حوادث بعد از انتخابات اصحاب فتنه استدلال می‌کردند برای دیدن حق و ساخت باطل ببینید چه کسانی در راس قدرتند و رسانه در اختیار آنان است و قدرت نظامی و اقتصادی و... در جهت اهداف آنان قرار گرفته است و چه کسانی از این مولفه ها بی بهره اند و مظلومانه! در حال مبارزه هستند... این عده در استدلال خود دچار دو مغالطه بزرگ شده اند. یک مغالطه دروغ و دیگری مغالطه عدم تخصیص منبع حق! اول آن که سران استکباری دنیا میلیون ها دلار سرمایه برای پیروزی کودتای مخملی در ایران هزینه کرده و حتی سفارتخانه های دول متخاصم در ایران خود مستقیماً وارد کارزار شدند ولی این سنت الهی است که مکر دشمنان به خود آنان بازگردد. از سویی دیگر اگر در راس قدرت بودن نشان بطلان یک مرام و عقیده باشد مولای متقیان در جنگ با خوارج در جبهه باطل قرار داشت چرا که از نظر نظامی و اقتصادی و... بر آنان برتری و سیطره داشت و اگر در اقلیت بودن نشان بطلان یک عقیده باشد سید الشهداء در کربلا در جبهه باطل قرار داشت! و حق نه آن است و نه این بلکه حق با کسی است که در راه حق قدم بر می‌دارد و الحق مع علی و علی مع الحق.

این نوشتار جلد اول از مجموعه کتاب هایی است که به زندگی و فعالیت های تاثیر گذاران در فتنه ۸۸ می پردازد .

نویسنده در این کتاب با توجه به فرصت اندکی که در اختیار داشته و نیز با توجه به منابع موجود تلاش کرده است که چیزی را از قلم نیندازد ولی بی شک نوشتار حاضر در بسیاری از جهات ناقص بوده و نمی تواند مدعی شود که بی عیب و حاوی تمامی اطلاعات لازم در زمینه اصحاب فتنه و فعالیت های آنان در طول سالیان اخیر می باشد .

بی شک نقد و نظر دوستان می تواند در تصحیح و ویرایش این نوشتار مفید واقع گردد.